

سلامت اجتماعی و ارزیابی آن با تاکید بر کودکان در جامعه ایران - (بخش اول)

سید جواد حسینی

سلامت اجتماعی یکی از ابعاد مهم چهارگانه سلامت محسوب میشود. سلامت دارای ابعاد زیستی، روانی، معنوی و اجتماعی است. سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است که ۷۵ درصد عوامل موثر در امر سلامت، اجتماعی‌اند و سلامت اجتماعی زیربنای سلامت است، اما شورش‌بختانه سلامت اجتماعی در جامعه در سطح مطلوبی قرار ندارد. نشان مهم این وضعیت، گسترش آسیب‌های اجتماعی، تکرر آن، پایین آمدن سن آسیب‌ها و شکل‌گیری آسیب‌های نوپدید است. تحقیقی که نگارنده در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه آزاد اسلامی روی ۴۰۰ دانشجوی دانشگاه به انجام رساند، نشان داد میانگین نمرات سلامت اجتماعی دانشجویان ۴/۲ از ۵ نمره مقیاس لیکرت است. این مقیاس توسط کیس در بنیاد علمی مک‌آرتور در امریکای ۲۰۰۴ میلادی طراحی و بارها روایی و اعتبار آن آزموده شده است. معالاسف سلامت اجتماعی به میزان اهمیتی که دارد و به زیربنای سلامت تعبیر میشود در کانون توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان سلامت قرار ندارد. امروز ما نیازمند آن هستیم که موضوع سلامت اجتماعی را به گفتمان برتر سلامت تبدیل کنیم، گرچه پرداختن به سلامت اجتماعی به عنوان یک ایده‌آل جلوه می‌نماید، اما می‌دانیم ایده‌ها سبک‌بال‌تر از واقعیت‌ها در حرکتند و بنا به گفته لوزویک در کتاب طرح نو مسائل اجتماعی بین ایده‌ها و پدیده‌ها یا ایده‌ها و واقعیت‌ها همیشه نبردی سخت برقرار است و ساختارهای واقعی در مقابل ایده‌ها مقاومت می‌کنند، اما رسالت اندیشمندان و صاحب‌نظران است که در این نبرد چنانچه جان مشونیس در کتاب ارزشمند مسائل اجتماعی مطرح می‌کند با مدعاسازی، مستندسازی و کار تشکیلاتی نخبگانی و با اجتماعی شدن به نفوذ آنها در ساختار واقعیت کمک کنند و بنا به گفته هاول در کتاب قدرت بی‌قدرتان ایده‌ها را در عرصه عمومی جامعه به قدرت تاثیرگذار بر واقعیت تبدیل کنند. سلامت اجتماعی به عنوان یک ایده مهم باید در نبرد با واقعیت‌هایی که آن را در برنامه‌ریزی و اولویت‌گذاری

برنمی‌تابد، با کوشش صاحب‌نظران بر پدیده واقعیت ساختاری غالب شود. در این صورت همان ایده‌ها که گاه احساس می‌شود در واقعیت نفوذ نمی‌کنند و نومیدانه به آنها می‌نگریم، بنا به تعبیر ربکا سولینت در کتاب ارزشمندش «امید در تاریکی» با استفاده از ظرفیت‌های پنهان و به تعبیر او سایه‌های جامعه قدرت می‌گیرند و ایده به پدیده تبدیل می‌شود. با توجه به مقدمه فوق اکنون باید دید سلامت اجتماعی چیست؟ از چه مولفه‌هایی برخوردار است؟ و وضعیت سلامت اجتماعی جامعه ایران و خصوصاً کودکان چگونه است؟ سلامت اجتماعی را می‌توان به ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی به گونه‌ای که به ایفای نقش مطلوب اجتماعی بدون آسیب رساندن به دیگران منجر شود، تعریف کرد. براساس نظریه کیس سلامت اجتماعی از ۵ مولفه انطباق‌پذیری اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی تشکیل می‌شود.

۱-۱ انطباق‌پذیری اجتماعی:

رابرت مرتون در کنار چهار نوع رفتار انحرافی (نوآوری، رسم‌پرستی، انزواجویی و طغیانگری) مدل رفتار به هنجار را رفتاری می‌داند که فرد هم هدف و هم وسیله و راه و روش رسیدن به هدف را در جامعه بپذیرد. انطباق‌پذیری یعنی پذیرفتن اهداف و پذیرش راه و رسم رسیدن به اهداف جامعه. معمولاً هر جامعه‌ای برای رسیدن به اهداف مقررات، قوانین، سازمان‌ها و رویه‌هایی را پیش روی افراد جامعه می‌نهد. اگر افراد برای رسیدن به این اهداف، راه و رسم جامعه را بپذیرند، گفته می‌شود دارای انطباق‌پذیری اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های سلامت اجتماعی‌اند، از این منظر باید از خود بپرسیم که کودکان جامعه تا چه میزان احساس می‌کنند جامعه مسیر رو به رشد آنها را درک می‌کند؟ کودک تا چه اندازه حس می‌کند تشکیلات و نهادها و مسوولان و سازمان‌ها در زندگی‌اش تاثیر مثبت دارد؟ او به چه میزان حس می‌کند روند زندگی آینده‌اش قابل پیش‌بینی است؟ سلامت اجتماعی کودکان با اتکا به شاخص انطباق‌پذیری باید در پی پاسخ به این سوالات هم باشد که کودکان و کودکی چقدر شناخته شده است و به آنها رسمیت داده می‌شود؟ به چه میزان آموزش و پرورش مسیر راه و رشد همه‌جانبه کودک را هموار می‌سازد؟ خانواده تا چه حد کودکی را پاس می‌دارد؟ رسانه‌ها به چه مقدار در خدمت کودکانند؟ نظام شهرسازی سینما و تئاتر و نظام تبلیغات تا چه حد خود را با شرایط کودکی مناسب‌سازی کرده است؟ پیمایش ملی که در سال ۱۳۹۷ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

